«روز صفر» ساخته سعید ملکان یکی از فیلم‌هایی است که در جشنواره فیلم فجر درخشید و حالا متقاضی دریافت پروانه نمایش است / عکس: فارس

از کارگردانی پسر حاتمی کیا تا پشیمانی رئیسیان!

متقاضیان تهیه‌کنندگی، پروانه ساخت و پروانه نمایش چه کسانی هستند؟

۱۰

ای عشوه تو گرم‌تر از باد تموزی!

خودشیرینی حساب فارسی وزارت خارجه آمریکا در توییتر برای یادآوری جشنی باستانی به ایرانیان، با رگه‌های نژادپرستانه و نیز اشتباهی عجیب همراه شده تا بساط خنده و شوخی اهالی توییتر فراهم شود

صابر محمدی

ادبیات و هنر

ماجراهای دم و دستگاه دونالد ترامپ با توییتر تمامی ندارد. لابد می‌دانید قضیه شخص او با توییتر تا آنجا بالا گرفت که این شبکه یکی از پیام‌هایش را به دلیل ترویج خشونت فیلتر کرد. این یک سوی ماجرای کاخ سفید با توییتر است. وزارت خارجه آمریکا، چند سالی است حسابی فارسی در توییتر به راه انداخته و آن‌طور که خود مدعی شده «به دیدگاه‌های دولت آمریکا» می‌پردازد، اما در این میان بیشتر محتوایی که در این صفحه منتشر می‌شود، مرتبط با ایران و ایرانیان است. خلأ بهره‌گیری از مشاوران کاربلد فارسی‌دان و آشنا به زبان و فرهنگ فارسی، بارها سبب بروز خطاهایی در تولید محتوای این صفحه شده است؛ اکانتی که ۶۶۴ هزار دنبال‌کننده دارد. در تازه‌ترین مورد، این حساب کاربری طی دو توییت به ما ایرانی‌ها یادآور شده جشنی باستانی در تقویم‌مان هست با عنوان چله تموز و از این رهگذر با ادبیاتی شگفت‌انگیز ایرانیان را به اصیل و غیر اصیل تقسیم کرده است! رگه‌های نژادپرستی آمریکایی در همین تقسیم‌بندی شگفت‌انگیز قابل ردیابی است، هر چند این، همه ماجرای این توییت‌ها نیست. خودشیرینی دولت آمریکا با چله تموز برای مردم ایران، ما را یاد این بیت از مولانا در اشاره به تموز می‌اندازد که گفت: «ای عشوه تو گرم‌تر از باد تموزی / وی چهره تو خوب‌تر از روی گلستان». البته حالا شما این بیت را به طعنه و کنایه بخوانید!

ماجرای توییت‌ها از چه قرار است؟

حساب فارسی توییتر وزارت خارجه آمریکا دو روز پیش نوشت: «رژیم نمی‌خواهد ایرانیان فرهنگ قبل از انقلاب را به خاطر داشته باشند، اما ایرانیان همچنان دهم مرداد یا #چله_تموز را جشن می‌گیرند. ایرانیان اصیل، هزاران سال است که طولانی‌ترین شب سال یعنی شب یلدا و طولانی‌ترین روز سال یا چله تموز را جشن می‌گیرند.» این توییت البته بخش دومی هم داد: «چله بزرگ تابستان از اول تیر شروع و دهم مرداد به پایان می‌رسد و چله کوچک تابستان از ۱۰ مرداد شروع و تا آخر هفته ادامه می‌یابد. امروز ما آرزوهای نیک خود را به همه کسانی که این مراسم باستانی ایران را جشن می‌گیرند، تقدیم می‌کنیم.»

توییت‌ها دچار چه اشتباه‌هایی است؟

این دو توییت حساب فارسی وزارت خارجه ایالات متحده در توییتر، دچار چند اشتباه است. البته خلاف آنچه برخی کاربران توییتر نوشته‌اند، باید گفت در این متن اشاره به چله تموز، دچار اشتباه نیست. برخی نوشته‌اند چله تموز، مصادف با دهم مرداد، یعنی تاریخی که این توییت‌ها منتشر شده نیست و این حساب کاربری در انتخاب زمان انتشار این توییت‌ها اشتباه کرده است. این در حالی است که در توییت دوم، تفاوتِ چله کوچک و چله بزرگ توضیح داده شده، اما ماجرای اشتباهات، نکات دیگری است:

۱ هندوانه گیف: هم شما و هم ما می‌دانیم ایرانیان در شب یلدا که به چله زمستان معروف است، هندوانه می‌خورند. این حساب کاربری به همراه متن توییت اول گیفی منتشر کرده از نگارگری ایرانی که در آن آمده: «چله تموز، فرخنده بادا» و در این گیف علاوه بر تصویر نگارگری، دو هندوانه هم به عنوان نمادهای چله تموز هستند. البته برخی باورها مبتنی بر این است که هندوانه، میوه چله تموز بوده و نه چله یلدای زمستان و از این رو شاید فکر کنند این گیف به‌درستی هندوانه را به عنوان نماد چله تموز معرفی کرده، اما اشتباه از اینجا ناشی می‌شود که بدانیم درست است که مردم برای در امان ماندن از گرمای چله تابستان هندوانه می‌خوردند، اما خب این کار را در چله زمستان صورت می‌دادند. مسؤول حوزه پژوهش و مطالعات اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی به عنوان استانی که هنوز جشن چله تموز در آن برپا می‌شود، سال گذشته در این جشن گفته: «مردم در چله زمستان برای در امان ماندن از گرمای چله تابستان، هندوانه می‌خوردند.»

۲ طولانی‌ترین روز سال: چنانچه گفتیم مهم‌ترین اشتباه این توییت‌ها، در رابطه با تاریخ اعلامی برای برپایی دو جشن تموز نیست. مهم‌ترین اشتباه در محاسبه تقویمی بلندترین روز سال است. طولانی‌ترین روز سال نمی‌تواند دهم مرداد ماه باشد. همواره سی‌ویکم خرداد یا اول تیرماه، طولانی‌ترین تابش خورشید را تجربه می‌کنند. به طور مثال اگر همین حالا به سایت مرکز تقویم دانشگاه تهران سری بزنید، می‌بینید بلندترین روزهای سال ۱۳۹۹ چه روزهایی بوده‌اند. در جدولی که در این سایت وجود دارد، سه روز پایانی خرداد و اول تیرماه را می‌توانیم به عنوان بلندترین روزهای سال معرفی کنیم. البته حتما تنها یکی از این چهار روز، بلندترین روز سال بوده‌اند اما چون در این جدول فقط به دقیقه اشاره شده و نه به ثانیه‌ها، مشخص نیست کدام دقیقا طولانی‌تر بوده‌اند. بر اساس اطلاعات این جدول، در سه روز آخر خردادماه طلوع آفتاب در ساعت ۵ و ۴۸ دقیقه و غروب آن در ساعت ۲۰ و ۲۳ دقیقه بوده و برای اول تیرماه نیز ساعت ۵ و ۴۹ دقیقه برای طلوع، و ۲۰ و ۲۴ دقیقه برای غروب ثبت شده است. عجالتا نکته‌ای که واضح است این که طولانی‌ترین روز سال، یا پایان خرداد است یا آغاز تیرماه و نه آن‌طور که این توییت‌ها می‌گویند ۱۰ مرداد!

۳ تموز؛ عبری، ترکی، رومی: ما هیچ ایرادی را به استفاده از لغات دیگر زبان‌ها در فارسی رایج خود وارد نمی‌دانیم و از آنها نیستیم که مصرانه و کاهلانه بگوییم زبان فارسی از همه لغاتی جز واژگان خود باید تهی شود. اما از حساب فارسی توییتر وزارت خارجه آمریکا که ایرانی‌ها را طی این توییت‌ها به اصیل و غیراصیل تقسیم کرده و پر واضح است که دامن‌زدن به ناسیونالیسمی افراط‌گرا در ایران را خوش می‌دارد، بعید است از واژه‌ای غیرفارسی برای توصیف یکی از جشن‌های باستانی ایرانیان استفاده کند. آن‌طور که دهخدا در لغتنامه‌اش آورده، تموز نام ماه دهم از سال رومیان است. دهخدا ذیل مدخل تموز، این را هم از شرفنامه منیری نقل کرده: «مدت ماندن آفتاب در برج سرطان که رومیان یک ماه شمرند و تموز ماه خوانند». عده‌ای هم معتقدند تموز واژه‌ای ترکی است که البته سند محکمی برای این ادعا وجود ندارد.

۴ مرداد به جای امرداد: درست است که نام پنجمین ماه از ماه‌های دوازده‌گانه تقویم ایرانی مرداد است، اما سندی هست که نشان می‌دهد نام این ماه امرداد است و اتفاقا مرداد، نقض غرض است برای ماه پنجم سال؛ چون مرداد، مبنای مرگ دارد و امرداد مبنای زندگی. در دهخدا می‌خوانیم که امرداد، نام روز هفتم از هر ماه شمسی است اما «بنابر قاعده کلیه که نزد پارسیان مقرر است [...] چون نام روز با نام ماه موافق آید آن روز را عید گیرند». بنابراین از همسانی روز امرداد با نام ماه، می‌توان دریافت که نام ماه امرداد درست‌تر است. حالا در این توییت‌ها چند بار به جای امرداد نوشته شده مرداد. از شما که این‌قدر دلسوز فرهنگ و زبان فارسی هستید بعید است آقای آمریکا!

چند واکنش به این اشتباه‌ها

تا لحظه تنظیم این گزارش، بیش از ۳۰۰ نظر پای دو توییت مورد اشاره حساب فارسی وزارت خارجه آمریکا ثبت شده است.

- سپاس فراوان از آمریکا. خیلی خوشحالم که بعد از قرن‌ها سکوت دنیا در برابر فرهنگ ایران، به خاطر منافع شخصی شما امروز کنار ما ایستاده‌اید!
- فقط همین مونده بود شما مشخص کنید ایرانی اصیل هستیم یا نه!
- به خدا اگه آمریکا دست از سر ما ایرانی‌ها برداره هر روز سال رو جشن می‌گیریم.
- اینا همونان که چند ماه پیش می‌خواستن ۵۲ نقطه فرهنگی ایران رو بمباران کنن.
- براتون بهتره تاریخ برده‌داری در آمریکا رو برامون تعریف کنید. ما تاریخ خودمان را حفظ هستیم.
- نعل وارونه می‌زنید هفتادرنگ‌ها!
- سالگرد کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد رو یادتون نره!

کجایی آلن که اکانت‌تو کشتن!

به اضافه این‌که...

لابد یادتان هست در کاخِ سفیدِ دوره ریاست‌جمهوری باراک اوباما، وزارت‌خارجه ایالات متحده، سخنگویی فارسی‌زبان هم داشت. نامش آلن ایر بود و دانش و آگاهی‌اش نسبت به زبان فارسی و فرهنگ ایرانی نسبتا بد نبود. او را با لهجه آمریکایی - فارسی‌اش و نیز مواضع ملایمش به یاد می‌آوریم. حالا حساب فارسی وزارت‌خارجه آمریکا که زمانی با مشاوره آلن ایر اداره می‌شد، دست دیگرانی افتاده است که مشخصا دچار شناخت ناقصی از فرهنگ ایرانی هستند. در یکی از کامنت‌هایی که زیر این دو توییت منتشر شده اتفاقا عده‌ای هم درباره لزوم بهره‌بردن از مشاورانی آگاه نوشته‌اند و یکی بدون این‌که نامی ببرد نوشته وقتی مدیریت چنین اکانتی را به یکی از آدم‌های معلوم‌الحال اپوزیسیون می‌سپارید، باید هم انتظار چنین سوتی‌های خنده‌داری را بکشید.

واقعه

فرودگاهی در زمین دختر ناصرالدین‌شاه!

۱۳ مرداد سالروز تاسیس فرودگاه مهرآباد است

۳۰ تیر ۱۳۳۷ مطبوعات به نقل از مسؤولان مربوط نوشتند: اطلاع حاصل شد ساختمان جدید فرودگاه بین‌المللی مهرآباد روز سه‌شنبه سیزدهم مرداد ۱۳۳۷ (سالگرد جشن مشروطیت) طی مراسمی افتتاح خواهد شد. روزنامه‌ها نوشتند: «قرار است که شاه شخصا ساختمان جدید فرودگاه مهرآباد را افتتاح کند و با افتتاح ساختمان جدید، کلیه دفاتر شرکت‌های هواپیمایی داخلی و خارجی در ساختمان جدید متمرکز خواهد شد و از فردای آن روز ایاب و ذهاب مسافرین هوایی از ساختمان جدید صورت خواهد گرفت. در این ساختمان کلیه وسایل رفاه و آسایش مسافرین داخلی و خارجی فراهم گردیده و باجه‌هایی برای رفع نیازمندی‌های مسافرین از فروش گل گرفته تا تمبر پست پیش‌بینی شده‌است.» نام مهرآباد ریشه در این دارد که منطقه‌ای که در آن فرودگاه تاسیس شده‌است، سابق بر این روستای مهرآباد خوانده می‌شد. اگر به پیشینه این روستا رجوع کنیم متوجه می‌شویم که پیشتر آن را حسین‌آباد می‌خواندند. بعد از این‌که حسین‌آباد جزو مهریه عصمت‌الدوله، دختر ناصرالدین‌شاه درآمد، بر آن نام مهرآباد را نهادند. این عصمت‌الدوله شخصیت جالب‌توجهی در تاریخ قاجاریه است. مادرش تاج‌الدوله دومین زن عقدی ناصرالدین‌شاه و دختر سیفا...میرزا پسر فتحعلی‌شاه بود. در تاریخ آمده که او نخستین زن ایرانی بود که پیانونواختن را یادگرفت. حالا که حرف از مهرآباد و مهریه عصمت‌الدوله است بد نیست بدانید که او در ۱۲ سالگی با دوست‌محمدخان معیرالممالک ازدواج کرد. بعدها به سبب خرج‌های بی‌رویه معیرالممالک، مهرآباد به گرو رفت و از تملک عصمت‌الدوله خارج شد. چنان‌که حتی دادخواهی او نزد رضاخان هم بی‌فایده بود و به‌خاطر بی‌مهری خویشاوندان، چنان آزرده شد که دست از مهرآباد کشید. چندی بعد در یکی از روزهای سال ۱۲۹۶ شمسی و در اواخر جنگ جهانی اول مردم تهران برای اولین‌بار شاهد پرواز هواپیما بر فراز آسمان بودند. این هواپیما به‌صورت قطعات مجزا از روسیه و از طریق بندرانزلی به‌وسیله اتومبیل به تهران حمل شد و پس از سوارکردن قطعات توسط خلبان روسی بر فراز تهران بی‌برج آن ایام و در ارتفاع پایین پرواز کرد و چون در آن زمان محلی به‌عنوان فرودگاه در تهران وجود نداشت خلبان در محل امور خارجه تهران، میدان مشق به زمین نشست. سال‌ها بعد و به‌دنبال پیشرفت سریع صنعت هواپیمایی حق انحصاری هواپیمایی در ایران به‌موجب قانون در بهمن ۱۳۰۴ به شرکت هواپیمایی آلمان یونکرس واگذار شد.

عطف

یادداشت:
زینب مرتضایی فرد
دبیر فرهنگ و هنر

یک کتاب خوشمزه

خیلی‌ها مستطاب آشپزی زنده‌یاد نجف دریابندری را خریده‌اند، حتی اگر هم آن را نخوانده باشند و محل مراجعه‌شان هم قرار نگرفته باشد، باز هم این خوشمزه را که البته مقدمه‌ای بسیار زیبا، نغز و هنرمندانه به قلم مترجم و نویسنده فقید ایرانی دارد، در قفسه کتاب‌هایشان چیده‌اند. کتاب‌های آشپزی دیگری هم آمده‌اند که برخی پرطرفدار شده و برخی هم زود از یاد رفته‌اند. حالا هم کمتر کسی سراغ کتاب آشپزی می‌رود، مگر این‌که پای پژوهش خاصی در میان باشد یا یک دلیل دیگر، خلاصه دلیلی غیر از آشپزی. این روزها اما کتابی با موضوع آشپزی ایرانی وارد بازار کتاب شده که خواندنش علاوه بر طعم خوش غذاها لطف دیگری هم دارد. نویسنده آن نادرمیرزای قاجار است. نوه فتحعلی‌شاه قاجار و از شاهزادگان باسواد آن روزگار. یکی از همان‌ها که به‌واسطه آگاهی‌شان در دربار شاهان چندان محبوب نبوده‌اند و روزگار را چندان به خوشی سپری نکرده‌اند. او سال‌هایی از زندگی‌اش را در آذربایجان می‌گذراند و تصمیم می‌گیرد «کارنامه خورش» را درباره طبخ انواع غذای ایرانی بنویسد.

نادرمیرزای قاجار در این کتاب فقط سراغ غذاها نمی‌رود و می‌شود از خلال حرف‌هایش سرنخ‌هایی از زمانه زندگی او را هم پی گرفت. نویسنده نادرمیرزا در میان نویسندگان و مورخان با اثر معروفش تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز شناخته می‌شود که تألیفی است جامع از آب‌وهوا تا شرایط اجتماعی تبریز و تبریزیان. او که در تاریخ و جغرافیای تبریز بخشی کوچک را به غذاهای تبریزیان و نحوه پخت آنها اختصاص داده است، در کارنامه خورش با دقت و ریزبینی‌های خاص خود، مجموعه‌ای کامل از دستور پخت بیش از یکصد نوع غذا از سراسر ایرانِ دوره قاجار فراهم آورده است.

در این کتاب، نادرمیرزا علاوه بر این‌که درباره غذاها نوشته است، به شرح وقایع هم پرداخته و از این رو کتاب زبان گویای بخشی از تاریخ ایران است. در اثر نادرمیرزا، می‌توان کلمات و اصطلاحاتی در توصیف زندگی روزمره و اسباب و ادواتش دید که سال‌هاست از یاد رفته‌اند و امروز در زبان فارسی دیگر استفاده نمی‌شوند و این بر جذابیت‌های اثر برای روزگار ما افزوده است. کتاب کارنامه خورش؛ دستور غذاهای نادرمیرزا قاجار به کوشش نازیلا ناظمی و توسط نشر اطراف منتشر شده است.